

شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) از منظر علمای اهل سنت

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

یکی از شبهاتی که از سوی اهل تسنن مطرح می شود این است که جریاناتی چون سوزاندن در خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) و شهادت حضرت محسن (علیه السلام) در جریان هجوم به خانه و ... همه از کارهای زشت و ناپسندی است که آن را فقط شیعه نقل کرده و فاقد اعتبار است. ما در این مقاله قسمتی از عبارات و روایاتی که علمای اهل تسنن از قرن سوم هجری تاکنون در کتاب های خود نوشته اند را خواهیم آورد که تصریحاً و تأویلاً اشاره به وقایع مذکور دارد.

پس از رحلت نبی مکرم اسلام وقتی که امیرالمومنین علی (علیه السلام) مشغول غسل و کفن نمودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند؛ عده ای از انصار و مهاجر در سقیفه جلسه ای برای تعیین جانشین پیامبر بر پا کردند. این مردم بی معرفت به جای این که به فکر انجام مراسم نبی اکرم باشند به دنبال جاه و مقام رفته بودند. اینان تلاش داشتند که روز عید غدیر و معرفی حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان امیرالمومنین و وصی پیامبر اکرم به ظاهر به فراموشی بسپارند و به دنبال هوای نفس خود باشند. در این بین تعدادی انگشت شمار از جمله عمار، سلمان، ابوذر، طلحه، زبیر که از مدافعان امیرالمومنین بودند و پایبند به وصیت نبی مکرم؛ به عنوان اعتراض به سقیفه و دفاع از امیرالمومنین (علیه السلام) در خانه ایشان جمع شده بودند. مردم نیز تحت تاثیر جو حاکم، به بهانه بیعت گرفتن از این افراد برای خلیفه اول، راهی منزل حضرت شدند و در این بین حرمت خاندان وحی و دختر نبی و اهل بیت ایشان را حفظ نکردند و بی حرمتی های بسیاری در آنجا صورت گرفت. تا جایی که از آتش زدن در خانه هم کوتاهی نکردند. علمای اهل تسنن نیز این موارد را در کتاب های خود ذکر کرده اند که نام کتاب و آدرس آنها را ذکر می نمائیم.

1- ابن ابی شیبہ (متوفی 235 ه.ق) در کتاب خود به نام «المصنّف» جلد هفتم، ص 432 روایت شماره 37045 (چاپ بیروت) .

2- ابن قتیبہ (متوفی 276 ه.ق) در کتاب خود به نام «الامامة و السياسة» ج 1، ص 12، چاپ مصر.

3- بلاذری (متوفی 279 ه. ق) در کتاب خود به نام «انساب الأشراف» چاپ مصر، ج 1، ص 586، تحت عنوان "امر السقیفه" در حدیث شماره 1184.

- 4- طبری (متوفی 310 ه.ق) در کتاب خود به نام «تاریخ الأمم و الملوك» ج 2، ص 443، چاپ بیروت.
- 5- مسعودی (متوفی 346 ه.ق) در کتاب خود به نام «اثبات الوصیه» ص 142، تحت عنوان "حکایة السَّقِیْفَه".
- 6- ابن عبد ربّه (متوفی 328 ه.ق) در کتاب خود به نام «عقد الفرید» ج 3، ص 64، چاپ مصر.
- 7- شهرستانی (متوفی 548 ه.ق) در کتاب معروف خود «الملل و النحل»، ج 1، ص 57، چاپ بیروت.
- 8- ابن ابی الحدید (متوفای 655 ه. ق) در «شرح نهج البلاغه»، ج 2، ص 56 (چاپ بیروت).
- 9- اسماعیل عمادالدین (متوفی 732 ه.ق) در کتاب خود به نام «المختصر فی أخبار البشر»، چاپ مصر، ج 1، ص 156.
- 10- عمر رضا کحاله در کتاب خود به نام «أعلام النساء» چاپ بیروت، در قسمت حرف "فاء" ذیل نام فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله).

شهادت حضرت محسن (علیه السلام)

گفتیم که مردم بی وفای آن عصر به دنبال تحریک برخی به در خانه دختر رسول خدا آمدند و نسبت به وصی پیامبر اکرم، امیرالمومنین علی (علیه السلام) بی حرمتی کردند و این هجوم به خانه وحی، ضایعاتی را در پی داشت و حضرت زهرا (علیها السلام)، عزیز رسول خدا، همو که پیامبر اکرم بارها در موردش فرموده بود: «کسی که دخترم، فاطمه را آزار دهد، مرا آزار داده و کسی که مرا آزار دهد باعث ناخشنودی خدا می شود»؛ را صدمه زدند. از جمله این که باعث شدند حضرت، فرزند شش ماهه اش را که رسول خدا نامش را «محسن» نهاده بود را سقط نماید. در بسیاری از منابع عامه نیز به سقط حضرت محسن بن علی (علیهما السلام) اشاره شده است که نام آن منابع را ذکر می نماییم.

1- ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» خود ج 3، ص 132، از کتاب «المعارف» ابن قتیبه دینوری این واقعه را نقل کرده است.

2- مسعودی در «اثبات الوصیه» ص 142.

3- شهرستانی در کتاب «الملل و النحل» چاپ بیروت، ج 1، ص 57.

4- ذهبی در کتاب «المیزان الاعتدال»، ج 1، ص 139، رقم 552.

5- صفدی در کتاب خود به نام «الوافی بالوفیات»، ج 6، ص 17.

6- الاسفرائینی التمیمی در کتاب «الفرق بین الفرق»، ص 107.

7- الحموی الجوینی الشافعی در کتاب «الفرائد السمطین»، ج 2، ص 35.

8- ابن ابی الحدید معتزلی در «شرح نهج البلاغه»، چاپ بیروت، ج 14، ص 192.

نارضايتی های حضرت فاطمه زهرا (عليهاالسلام) از برخی صحابه

از جمله مسائل قابل طرح و بحث که مربوط به روزهای آخر زندگی حضرت زهرا (عليهاالسلام) می شود مسئله ناراضی بودن حضرت زهرا (عليهاالسلام) از برخی صحابه رسول خدا است (که این نارضايتی حضرت فاطمه عليهاالسلام، موجب نارضايتی رسول خدا و در نتیجه نارضايتی خداوند باری تعالی را در پی داشت و دارد) ما در این جا با ذکر اسناد و مدارکی از علمای اهل تسنن که از معتمدین و بزرگان ایشان هستند، این مسئله و دلائل آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

قسمت اول - تدفین شبانه

از دلائلی که نارضايتی حضرت زهرا (عليهاالسلام) را می رساند و علمای اهل تسنن در منابع خویش ذکر کرده اند، تدفین مخفیانه و شبانه است. به راستی چرا باید دختر بزرگوار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) وصیت نمایند تا ایشان را بدینگونه و شبانه تدفین نمایند؟! و کسی بر پیکر مطهر ایشان نماز نخواند؟! پاسخ این سؤال در لابلای کتب اهل تسنن موجود می باشد.

- 1- محمد بن اسماعیل بخاری در الصحيح، ج 5، ص 177، چاپ احیاء التراث - بیروت.
- 2- احمد البیهقی در السنن الکبری، ج 6، ص 300، چاپ بیروت.
- 3- مسلم بن الحجاج القشیری در الصحيح، ج 3، ص 1380، چاپ مصر.
- 4- ابن اثیر در کتاب "الکامل فی التاریخ"، ج 2، ص 126 .
- 5- حافظ عبدالدین محمد بن أبی شبیه، ج 4، کتاب المصنف، ص 141. "انّ علیاً دفن فاطمه لیلاً".
- 6- أبی فلاح الحنبلی در کتاب شذرات الذهب، ج 1، ص 15، چاپ قاهره آورده است:
«و غَسَل فاطمة، اسماء بنت عمیس و علی (علیه السلام) و دفنها لیلاً».
- 7- سیوطی در کتاب الثغور الباسمه، ص 15، چاپ بمبئی آورده است.
«و غَسَلها زوجها علی، و صَلَّی علیها و دفنها لیلاً»؛ همسرش علی او را شبانه غسل داد، بر او نماز خواند و دفنش کرد.

- 8- عبدالرحمن بن عمرو الدمشقی در کتاب تاریخ أبی ذرعة ج 1، ص 290 چاپ دمشق گوید: «تَوَفَّیت فاطمة، بعد رسول الله (صلی الله علیه وآله) بسنّه اشهر، فدفنها علی بن ابی طالب لیلاً»؛ فاطمه شش ماه پس از پیامبر رحلت کرد و علی (علیه السلام) شبانه دفنش کرد.
- 9- ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج 6، ص 50 .

لازم به یادآوری است که در منابع ذکر شده در این قسمت از اهل تسنن، علاوه بر تدفین شبانه به مورد دیگری نیز توجّه شده بود و آن اعراض حضرت زهرا (عليهاالسلام) از خلیفه اول و عدم تکلم ایشان با او تا زمان وفات است و این خود نیز دلیلی دیگر بر غضب حضرت فاطمه (عليهاالسلام) بر ایشان است.

قسمت دوم - خطبه حضرت زهرا(علیهاالسلام) در مسجد و در بستر بیماری

در منابع اهل تسنن به مطلب (ناراضی بودن حضرت فاطمه علیهاالسلام از شیخین- خلیفه اول و خلیفه دوم-) تصریح شده است:

1- ابن قتیبہ در کتاب الامامة و السياسة، ص14، و نیز محمد بن یوسف گنجی شافعی در باب 99 کفایة الطالب. از دیگر مصادری که گواه بر خشم و غضب حضرت زهرا(علیهاالسلام) بر برخی از صحابه است خطبه ایشان در مسجد است. که در مصادر اهل تسنن خطبه مذکور ضبط شده است:

(در قدیمی ترین نسخه در کتاب بلاغات النساء، نوشته ابوالفضل احمد بن ابی طاهر مروزی، که متولد 204 و متوفای 280 هجری است حاوی خطبه های بلیغ زنان عرب است.

2- بلاغات النساء، صص 23 و 24، چ بیروت .

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 4، ص78 .

4- المناقب، احمد بن موسی که سند آن منتهی به عایشه است .

5- السقیفه، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری که از بزرگان اهل تسنن است و در کتابش به سندهای مختلف این خطبه را نقل کرده است.

آیا الفاظ سنگین و سرشار از استدلال خطبه فدکیه، دلیل بر مصائب و رنج های وارده بر حضرت زهرا (علیهاالسلام) بعد از وفات پدر بزرگوارشان نیست؟!

پس از چند روز حضرت در اثر مصائب و لطمات وارده در بستر بیماری قرار گرفتند و هنگامی که خبر به زنان مهاجر و انصار رسید شاید برای جبران و کاهش اشتباهات مردانشان به عیادت آمدند و از احوال حضرت پرسیدند؟ حضرت در پاسخ به این سؤال فرمودند:

«قالت: اصبحْتُ و الله عائفةً لدنیا كنَّ، قالیةً لرجالكنَّ»؛ «به خدا سوگند صبح کردم در حالی که از دنیای شما بیزارم و بغض مردان شما در دلم جای گرفت.»

آیا این سخنان کسی نبود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره اش فرمود: من به شادی اش شادمان هستم و در ناراحتی او ناراحت...!!؟

و از طرفی در کتب اهل تسنن آمده است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مورد حضرت فاطمه زهرا (علیهاالسلام) فرمودند: «فاطمةٌ بضعةٌ منی، فمن أغضبها، أغضبنی»؛ فاطمه پاره تن من است، غضب او ، غضب و ناراحتی من است.

لازم به ذکر است که علامه امینی در جلد 7 کتاب الغدير، صفحه 232 نام شصت تن از علمای اهل تسنن را ذکر کرده اند که حدیث فوق را در کتب خویش آورده اند.

و یا این که «ان الله تبارک و تعالی يغضبُ لِغضبِ فاطمة و یرضی لرضاها.»

و نیز «من غضبت علیه ابنتی فاطمة غضبتُ علیه و من غضبتُ علیه غضب الله.»

چه شده است که حال، آن بانوی بزرگوار اینگونه سخن می گویند و این چنین ناراضیتی خویش را اعلام می کنند!

آیا بهانه ای و ابهامی برای کسی در طول تاریخ باقی می ماند؟!

پس بنابر آنچه خود اهل تسنن به آن اقرار دارند غضبناک بودن حضرت زهرا(علیهاالسلام) از آنان در مورد صدمه زدن ایشان از جانب برخی از صحابه و تابعین آنان مسلم است و بنابر احادیث صحیح السند که متفق بین علمای اهل تسنن است صدمه به حضرت زهرا (علیهاالسلام)، اذیت رسول خدا، و آزار خدا را به دنبال دارد و هر کس که اطلاع اندکی از آیات قرآن داشته باشد، نتیجه خواهد گرفت:

اولاً صدمه به حضرت زهرا (علیهاالسلام) که همان اذیت و آزار پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، باعث غضب الهی و دور شدن از رحمت خداوند در دنیا و آخرت می گردد.

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (احزاب: 57)؛ آنان که خدا و

رسول او را به عصیان و مخالفت اذیت می کنند خدا آنها را در دنیا و آخرت لعن کرده (و از رحمت خود دور

فرموده) بر آنان عذابی خوار کننده مهیا است .

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (التوبه: 61)؛ و برای آنان که رسول خدا را اذیت کنند، عذاب دردناکی

است .

و ثانیاً هر کس که مورد غضب الهی واقع شود گمراه است. چرا که «وَمَنْ يَخْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى» (طه / 81)

؛ و هر کس مستوجب خشم من گردید همانا خوار و هلاک خواهد شد.

و ثالثاً هر کس که مورد غضب الهی واقع شود را نمی توان دوست و یاور قرار داد چون که خداوند می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (ممتحنه/13)؛ ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنان

غضب کرده یار و دوستدار خود نگیرید .

پس به فرمان خداوند نباید آنان را که خدا و رسولش را مورد غضب قرار داده اند دوست داشت چرا که خدا و

رسولش، به غضب فاطمه (علیهاالسلام) غضبناک و به اذیت او خشمناک می شوند.

دوباره این سوال را از تمام کسانی که انصاف و وجدانی بیدار دارند می پرسیم:

به راستی چرا تنها دخت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، که پیامبر بارها فرموده بود هرگاه دل تنگ بهشت می

شوم سینه فاطمه را می بویم. و به اعتراف تاریخ که پیامبر دستهای این بانوی دو سرا را می بوسیدند؛ با فاصله

ای اندک پس از رحلت پیامبر اکرم، شبانه، غسل می شود، کفن و دفن می شود و با دلی پر درد به دیدار حق می

رود و تا کنون نیز مزارش مخفی مانده است؟! آیا این سند زنده ای از مصائب و مظلومیت های ایشان نمی باشد؟!